

در روزهای جنگ، همه ماندند، حتی برق!

خسارت جنگ را چگونه بگیریم؟

همین صفحه

دورکاری مقدمه پیکاری

ياسياست ايهام!؟

جنگ در جبهه بانکی وهک اعتماد مردم

و اعتماد عمومی است

خسارت دوران جنگ را چگونه و از کجا بگیریم؟

وارده را درست مثل زمان زلزله، سیل، یا آتش‌سوزی‌های بزرگ از محل صندوق‌های عمومی یا منابع خاص جبران کند.

مسئله جبران عوارض و بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ باید در اولویت باشد. مشاهده خرابی‌های ناشی از جنگ روحیه و افکار عمومی را خدشه‌دار می‌کند.

را به یاد دارند، می‌دانند اگر خسارتی وارد می‌شود از بسبب و مسجد محل بلافاصله می‌آمند تا آن را ثبت و ضبط کنند و خسارت‌های جزئی مانند شکستن میز شدن شیشه‌ها را بلافاصله جبران می‌کردند. سال‌هایی که جنگ فقط در مرزها رخ می‌داد، تصور اینکه یک موشک بتواند وسط شهر را بپزند، دور از ذهن بود. اما حالا تهران و بسیاری از دیگر شهرهای ایران هم صادی جنگ را شنیده‌اند. وقتی ایلی خسارت به خانه و زندگی مردم وسط می‌آید، دیگر فقط بحث مهربردی و تسلیت نیست. این بار صحبت از مسئولیت است؛ مسئولیتی که بر دوش دولت و نهادهای رسمی است نه بر شانه مردم.

گروه اجتماعی | آخرین شب جنگ بود. صدای پدافند هوایی یک‌ریز در آسمان تهران شنیده می‌شد، هنوز کسی نمی‌دانست آیا آتش‌بس واقعاً نزدیک است یا نه. خیابان‌های شهر خلوت و بیشتر مردم در خانه مانده بودند. رضایی هم یکی از آنها بود. مردی میانسال، معاون شعبه یکی از بانک‌های تهران، ساکن محله سپیدخندان، ساعتی قبل تر خانواده را جایی که گمان می‌کرد امن‌تر است، خارج از تهران و نزد خانواده پدری گذاشته و خود تنها به تهران با گشتنه بود تا صبح بود بعد سراسر کار حاضر باشد. شب را در سکوت خانه می‌گذراند؛ پای تلویزیون، اخبار را دنبال می‌کرد، با موبایلش پیگیر آخرین خبرها بود و گاهی از پنجره نگاهی به بیرون می‌انداخت و رز در و رف در می‌زد تا پدافندهای را دنبال می‌کرد که یک‌ریز شلیک می‌کردند. نزدیک نیمه‌های شب بود که صدای انفجار آمد؛ کوتاه، سنگین، کوبنده. موج انفجار، شیشه‌های پدیرایی را مثل برگ‌های خشک پاییزی به زمین ریخت. دیوار گوشه سالن تر برداشت. بخشی از گچ سقف ریخت و پنجره اتاق شکست.

صبح روز بعد، سر کار نرفت. نه فقط آقای رضایی که صدها نفر دیگر در همان محله و دیگر محله‌های مرکزی و جنوبی و شرقی تهران، یک سؤال در ذهن داشتند: «چه کسی قرار است این خسارت را جبران کند؟»

کسانی که جنگ هشت ساله ایران و عراق

کارشناسان در راه ثبت خسارت‌ها

ادامه در صفحه ۶

تهرانی‌های می‌توانند با
ارسال پیامک به شماره‌های
۰۹۹۹۹۰۲۴۷۵۸ یا
۰۹۹۹۹۰۲۴۷۵۹، خسارت
خانه‌های خود را اعلام کنند.
ستاد بازی سازی نیز در چهار
منطقه تهران، شرق، غرب،
مرکز و جنوب دفاتر خود
را باز کرده است تا مردم
حضوری مراجعه کنند و
مدارک خود را تحویل دهند

مناطق	نشانی	تلفن‌های تماس
۱۶-۱۱-۱۱-۶	خیابان استاد مطهری، خیابان قائم مقام فرحانی، جنب بیمارستان تهران کلینیک کوچه آزادگان، پلاک ۶	۰۹۹۹۹۰۲۴۷۳۶ ۰۹۹۹۹۰۲۴۷۶۳ ۸۸۷۲۹۵۸۲
۲۰-۱۵-۸-۱۳-۱۴	خیابان دماوند، روبه‌روی برج آناهید مهد فرش، انتهای کوچه بن‌بست	۰۹۹۹۹۰۲۴۷۵۷ ۰۹۹۹۹۰۲۴۷۵۳
۴-۳-۱	چهارراه هروی، چهارراه مکران، نبش مکران جنوبی، ساختمان تجاری اداری هروی، طبقه همکف	۰۹۹۹۹۰۲۴۷۳۷ ۰۹۹۹۹۰۲۴۷۳۹
۲۲-۲۱-۱۸-۱۹-۱۷-۱۰-۹-۵-۲	خیابان ستارخان، خیابان حبیب‌اللهی، نبش کوچه لادن، پلاک ۴	۰۹۹۹۹۰۲۴۷۵۸ ۰۹۹۹۹۰۲۴۷۵۹ ۶۶۵۳۷۱۴۴ ۶۶۵۳۷۱۴۴ ۶۶۵۳۷۱۵۰

وقتی از آسمان آتش می بارد و گرمایش زمین یشت در خانه ما رسیده است

زور آزمایی گرما با مردم کره زمین

حمید رضا خالدی
هفت صبح

«کشور در روزهای دوشنبه تا چهارشنبه گرم‌ترین دما را از ابتدای سال تجربه خواهد کرد»، گفت: «با توجه به تغییر فصل و ورود به تابستان، ثبت دماهای بالا در این بازه زمانی طبیعی است. در این ایام، بسیاری از نقاط کشور ممکن است بیشینه دمای ۴۰ درجه را تجربه کنند که البته قبلاً نیز در همین سال چنین دماهای ثبت شده است».

به گفته وای، برای مثال در استان‌هایی مانند خوزستان، دمای حدود ۴۸ درجه پیش‌بینی شده که قبلاً هم در فصل بهار تجربه شده. روز سه‌شنبه که یکی از روزهای گرم است، نیز مناطقی از شرق استان کرمان و سیستان و بلوچستان ممکن است دمای نزدیک به ۵۰ درجه داشته باشند اما این گرما اتفاق تازه‌ای نیست و در همین سال جاری هم در مقاطع مشابه تجربه شده است.

ضایان در پاسخ به این ادعای برخی کالاهای خیری که مناطق سردسیر نیز ممکن است دهامای نزدیک به ۴۰ درجه را تجربه کنند، تصریح کرد: در بعضی اخبار منتشره مشخص نیست که منظور از مناطق سردسیر کدام استان‌هاست اما چنین اخباری صحت ندارد. برای مثال، در مناطق سردسیری مانند آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان و اردبیل بیشینه دما بین ۲۴ تا ۲۲ درجه خواهد بود.

با تمام این گفته‌ها، افزایش شدید کرما تأثیرات خودش را روی زندگی مردم داشته که این‌که باعث شده تا خوزستان را موقتاً دور کار شوند.

🔴 **قاره سبز هم تب کرد**

اما این گرما تنها مختص ایران نیست بلکه بخش





تلاش دشمن برای بازی با روح و روان مردم با حملات دامنه‌دار سایبری به نظام بانکی کشور

جنگ در جبهه بانکی وهک اعتماد مردم

امنیت سایبری فقط موضوعی فنی نیست؛ مؤلفه‌ای راهبردی در امنیت ملی، ثبات اقتصادی و اعتماد عمومی است

شایان شایسته
هفت صبح

در میانه جنگ ۱۲ روزه خردادماه امسال، جبهه‌ای ناپیدا اما بسیار حیاتی در دل فضای سایبری گشوده شد: جبهه‌ای که نه با تانک و موشک، بلکه با کدهای مخرب، نفوذهای پنهان و اختلال در زیرساخت‌های دیجیتال شکل گرفت. در این نبرد سایبری، شبکه بانکی کشور به‌عنوان یکی از حساس‌ترین و حیاتی‌ترین زیرساخت‌ها، هدف حملاتی سازمان‌یافته قرار گرفت. حمله به بانک سپه و سپس بانک پاسارگاد که توسط گروه هکری «گنجشک درنده» (Predatory Sparrow) انجام شد، تنها بخشی از این سناریوی پیچیده بود؛ سناریویی که نه تنها خدمات بانکی را مختل کرد، بلکه زنجیره تأمین کالاهای اساسی مانند آرد را نیز دچار اختلال کرد و موجب برخی نارضایتی‌های عمومی شد. تحلیل فنی این حملات نشان داد که مهاجمان از طریق پورت‌های مدیریتی سرورهای HP، موسوم به ILO که به‌اشتباه به اینترنت متصل بودند، توانستند به زیرساخت بانک سپه نفوذ کنند. این پورت‌ها که برای مدیریت فیزیکی سرورها طراحی شده‌اند، در صورت عدم ایزوله‌سازی مناسب، به دروازه‌ای خطرناک برای نفوذ کامل به سیستم تبدیل می‌شوند. در نتیجه این نفوذ، حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ سرور فیزیکی آسیب دیدند و به دلیل نبود زیرساخت پشتیبان یا سایت بازیابی بحران (Disaster Recovery Site) فرآیند بازسازی بسیار کند، پرهزینه و زمان‌بر شد.



شایعه «خالی شدن حساب‌ها» یا «واریز پول توسط هکرها» به سرعت در شبکه‌های اجتماعی گسترش یافت و در صورتی که این مسئله، مدیریت نمی‌شد قطعاً صف‌های طولانی مقابل دستگاه‌های خودپرداز، افزایش برداشت‌های نقدی و هجوم واکنش‌های عمومی به این فضای بی‌اعتمادی می‌شد



توانستند با سرعت بیشتری خدمات خود را بازیابی کنند اما واقعیت این بود که زیرساخت امنیتی بسیاری از بانک‌های کشور در برابر تهدیدات پیشرفته‌ای مانند APT، آمادگی کافی نداشتند.

اعتماد مردم را هک می‌کنند اما آنچه بیش از همه نگران‌کننده بود، تبعات اجتماعی و روانی هک بانک‌های کشور در میانه جنگ بود. در روزهایی که مردم با اضطراب اخبار حملات موشکی و پهپادی را دنبال می‌کردند، شایعه «خالی شدن حساب‌ها» یا «واریز پول توسط هکرها» به سرعت در شبکه‌های اجتماعی گسترش یافت و در صورتی که این مسئله، مدیریت نمی‌شد قطعاً صف‌های طولانی مقابل دستگاه‌های خودپرداز، افزایش برداشت‌های نقدی و هجوم به شعب بانکی، تنها بخشی از واکنش‌های عمومی به این فضای بی‌اعتمادی می‌شد.

هر چند برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که معدودی افراد با تصور اینکه ممکن است حساب‌هایشان هدف حمله قرار گیرد، اقدام به انتقال دارایی‌ها به بانک‌های دیگر یا حتی خرید طلا و ارز کردند. این رفتارها، هر چند طبیعی و قابل درک هستند اما فشار مضاعفی بر شبکه بانکی وارد کردند و در مواردی باعث اختلال در نقدینگی شعب شد. در چنین شرایطی، حتی بانک‌هایی که مستقیماً هدف حمله قرار نگرفته بودند، به دلیل نبود ارتباط شفاف با مشتریان و ضعف در اطلاع‌رسانی، نتوانستند اعتماد عمومی را حفظ کنند.

از سوی دیگر، حمله به حساب‌های بانکی، نه تنها یک تهدید اقتصادی، بلکه یک ابزار جنگ روانی است. مهاجمان با هدف قرار دادن اعتماد مردم به نظام بانکی، تلاش کردند تا حس ناامنی را از میدان جنگ به خانه‌های مردم منتقل کنند. در واقع، هک حساب‌های بانکی، به‌نوعی تبدیل به سلاحی شد که بدون شلیک گلوله، می‌توانست ثبات اجتماعی را متزلزل کند.

فعال به شکار تهدید بپردازند و صرفاً به هشدارهای خودکار اکتفا نکنند. در کنار این اقدامات فنی، تقویت امنیت زنجیره تأمین نیز اهمیت بالایی دارد چرا که بسیاری از حملات APT از طریق نرم‌افزارها یا پیمانکاران ثالث انجام می‌شوند. ارزیابی امنیتی تأمین‌کنندگان و نظارت بر به‌روزرسانی‌های نرم‌افزاری باید به‌عنوان بخشی از سیاست‌های امنیتی نهادهای مالی نهادینه شود. آموزش مستمر کارکنان برای شناسایی ایمیل‌های مشکوک و اجرای تمرین‌های شبیه‌سازی حملات فیشینگ نیز از جمله اقدامات ضروری برای کاهش خطای انسانی است.

در سطح مدیریتی، رعایت اصل «حداقل دسترسی» در مدیریت مجوزها به‌ویژه برای حساب‌های با دسترسی بالا، می‌تواند دامنه آسیب را در صورت نفوذ محدود کند. همچنین ایجاد تیم‌های پاسخ به حوادث برای واکنش سریع به نفوذها، تحلیل رخدادها و بازیابی سیستم‌ها، باید در ساختار سازمانی بانک‌ها و نهادهای مالی گنجانده شود. در سطح راهبردی نیز ایجاد مرکز عملیات امنیتی یکپارچه در سطح صنعت بانکی برای اشتراک‌گذاری اطلاعات تهدیدات و هماهنگی در پاسخ به حملات، یک ضرورت است. برگزاری تمرین‌های مشترک دفاع سایبری میان بانک‌ها و نهادهای امنیتی می‌تواند آمادگی عملیاتی را افزایش دهد. همچنین سرمایه‌گذاری در توسعه الگوریتم‌های رمزنگاری بومی و زیرساخت‌های مقیوم در برابر حملات پیشرفته و مداوم باید در دستور کار قرار گیرد.

امنیت سایبری به مثابه راهبرد افزایش اعتماد عمومی

تجربه جنگ ۱۲ روزه و حملات سایبری گسترده به بانک‌ها، رنگ خطری جدی برای نظام مالی کشور بود. این تجربه نشان داد که امنیت سایبری دیگر صرفاً یک موضوع فنی نیست بلکه به‌عنوان یک مؤلفه راهبردی در امنیت ملی، ثبات اقتصادی و اعتماد عمومی نقش ایفا می‌کند. حمله به بانک‌ها، حمله به اعتماد مردم است و بازسازی این اعتماد، نیازمند شفافیت، آمادگی و سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های امنیتی است. تنها با اتخاذ رویکردی جامع، پیش‌نگر و هماهنگ می‌توان در برابر تهدیدات پیچیده و ماندگار آینده ایستادگی کرد.

با گذر از تجربه تلخ حمله به بانک سپه و پاسارگاد نگاه به‌سرعت به سایر بانک‌های کشور معطوف شده چرا که روشن است حمله به چند بانک، صرفاً آغاز یک زنجیره است نه پایان آن. در روزهای پس از حمله، گزارش‌هایی از اختلال در سامانه‌های بانک‌های ایرانی منتشر شد و عملیات پرداخت‌های خارجی نیز متوقف شد. هر چند سایر بانک‌ها

افزایش شایعات؛ راهبردی برای جنگ نرم بانک سپه به‌عنوان یکی از بانک‌هایی که روند واریز حقوق نیروهای مسلح و بازنشستگان را انجام می‌دهد و تأمین‌کننده مالی پروژه‌های زیرساختی و توزیع یارانه آرد و نان است، نقشی کلیدی در اقتصاد کشور ایفا می‌کرد. به همین دلیل حمله به آن، نه تنها خدمات بانکی را مختل کرد، بلکه زنجیره تأمین آرد را نیز دچار اختلال کرد و در شرایط جنگی، فشار روانی مضاعفی بر جامعه وارد کرد. این حملات بخشی از راهبردی بزرگ‌تر برای ایجاد اختلال در خدمات غیرنظامی مانند غذا، دارو و سوخت بودند. در این فضا، شایعاتی نظیر «واریز پول توسط هکرها به حساب مردم» نیز منتشر شد که بعدها مشخص شد ناشی از جابه‌جایی موقت پرداخت حقوق بازنشستگان از بانک سپه به بانک ملی بوده نه هک بانک ملی.

اما آنچه این حملات را از سایر تهدیدات سایبری متمایز می‌کرد، ماهیت پیشرفته و ماندگار آنها بود. تهدیداتی که در ادبیات امنیت سایبری با عنوان APT شناخته می‌شوند. این نوع حملات، برخلاف حملات ساده و سریع، با هدف نفوذ بلندمدت، جمع‌آوری اطلاعات حساس یا ایجاد اختلال در زیرساخت‌های حیاتی طراحی می‌شوند و معمولاً توسط گروه‌های سازمان‌یافته و اغلب با حمایت دولتی، انجام می‌گیرند.

وقتی موضوع صرفاً پول نیست ویژگی بارز حملات APT، هدف‌گذاری دقیق و شناخت عمیق از ساختار سازمانی قربانی است. مهاجمان معمولاً با استفاده از مهندسی اجتماعی یا حملات فیشینگ، نقطه ورود اولیه را ایجاد می‌کنند و سپس با بهره‌گیری از آسیب‌پذیری‌های نرم‌افزاری، به تدریج به سیستم‌های حساس نفوذ می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند تا مدت‌ها بدون جلب توجه در سیستم باقی بمانند، اطلاعات جمع‌آوری کنند یا در زمان مناسب حمله نهایی را اجرا کنند. استفاده از بدافزارهای سفارشی و ناشناخته که توسط آنتی‌ویروس‌های معمول شناسایی نمی‌شوند، از دیگر ویژگی‌های این حملات است.

لزم پیاده‌سازی معماری دفاعی چندلایه برای مقابله با چنین تهدیداتی، اتخاذ رویکردی چندلایه و جامع ضروری است. در سطح زیرساخت، معماری دفاعی چندلایه باید پیاده‌سازی شود تا مهاجم در هر مرحله با موانع امنیتی مواجه شود. استفاده از سامانه‌های پیشرفته تشخیص و پاسخ به تهدیدات مانند EDR و XDR امکان شناسایی رفتارهای مشکوک و پاسخ خودکار به آنها را فراهم می‌کند. همچنین، تیم‌های امنیتی باید به صورت

پنهان شدن بی‌کفایتی در سایه جنگ

نباید فراموش کرد که بازار سرمایه تنها آینده‌ای از واقعیت‌های اقتصادی نیست، بلکه خود می‌تواند به‌عنوان موتور محرک رشد اقتصادی عمل کند، به شرط آن که اعتماد عمومی به آن حفظ شود. آنچه در روزهای اخیر رخ داد، نه صرفاً یک افت شاخص، بلکه یک رنگ خطر جدی برای سیاست‌گذاری است که هنوز به نقش حیاتی «اعتماد» در بازار سرمایه واقف نشده‌اند.

بازاری که در آن سرمایه‌گذار خرد، خود را تنها و بی‌پناه در برابر موج‌های هیجانی می‌بیند، نمی‌تواند به مأمور سرمایه‌های بلندمدت تبدیل شود. در چنین فضایی، حتی ابزار حمایتی نیز اگر بدون شفافیت، زمان‌بندی و هدف‌گذاری دقیق به کار گرفته شوند، نه تنها مؤثر نخواهند بود، بلکه خود به عاملی برای بی‌اعتمادی بیشتر بدل می‌شوند.

از سوی دیگر، نهاد ناظر باید بپذیرد که نقش آن صرفاً در باز و بسته کردن بازار یا صدور اطلاعیه‌های کلیشه‌ای خلاصه نمی‌شود. بازار نیازمند حکمرانی هوشمندانه است؛ حکمرانی‌ای که نه با مداخله مستقیم، بلکه با طراحی ابزارهای پوشش ریسک، ارتقاء شفافیت اطلاعاتی، توسعه بازار مشتقه و تقویت نهادهای مالی حرفه‌ای، به تعادل پایدار کمک کند.

در این مسیر، اصلاح ساختار صندوق‌های سرمایه‌گذاری،

سیستماتیک، حمایت‌های سنتی و دستوری هنوز کارایی دارند؟ پاسخ روشنی داد و گفت: در شرایطی که ریسک سیستماتیک ناشی از تهدیدات خارجی و درگیری‌های نظامی بر بازار سایه افکنده، حتی مداخلات گسترده مالی نیز قادر به تغییر رفتار بنیادی بازار نیستند. در چنین فضایی، حمایت‌های شتاب‌ده و بدون هدف، تنها منجر به هدررفت منابعی می‌شوند که می‌توانند در دوره بازگشت آرامش و ورود مجدد سرمایه‌گذاران، اثربخشی بیشتری داشته باشند.

این نگاه، بر پایه تجربه تاریخی بازار ایران و نمونه‌های جهانی استوار است. او تأکید می‌کند که هیجانات فروش، گرچه شدید اما گذرا هستند و آنچه در این میان اهمیت دارد، نه واکنش‌های هیجانی، بلکه استراتژی‌های هوشمندانه و صبورانه است.

بدون نقدشوندگی، بازار معنا ندارد

محمّدنیا به نقد دیدگاه مدافعان بازگشایی بازار پرداخت و گفت: مدافعان بازگشایی بازار، از جمله وزیر اقتصاد که بر اصل نقدشوندگی تأکید دارند، می‌گویند تعطیلی بازار، به‌ویژه برای صندوق‌های سرمایه‌گذاری، بازار مشتقه، ساز و کارهای قیمت‌گذاری و تأمین مالی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری دارد. این استدلال منطقی است اما بازاری که امکان معامله نداشته باشد، عملاً بازار نیست. باید به دو نکته توجه داشت؛ از یک‌سو، اختیارات قانونی برای تعطیلی بازار محدود بوده و تنها در شرایط خاصی قابل اعمال است و از سوی دیگر، نهادهای حمایتی مانند صندوق توسعه بازار، توان مالی لازم برای جمع‌آوری این حجم از عرضه را ندارند. در چنین شرایطی، مداخله صرفاً به معنای رقیق‌سازی منابع حمایتی بدون اثربخشی پایدار خواهد بود.

وی به سه سناریوی اصلی برای مدیریت شرایط اشاره می‌کند و

بازگشایی شتاب‌زده بازار سرمایه در گفت و گو با شهیر محمدنیا، تحلیل‌گر بازار سرمایه

بورس؛ باز شده یا رها شده؟

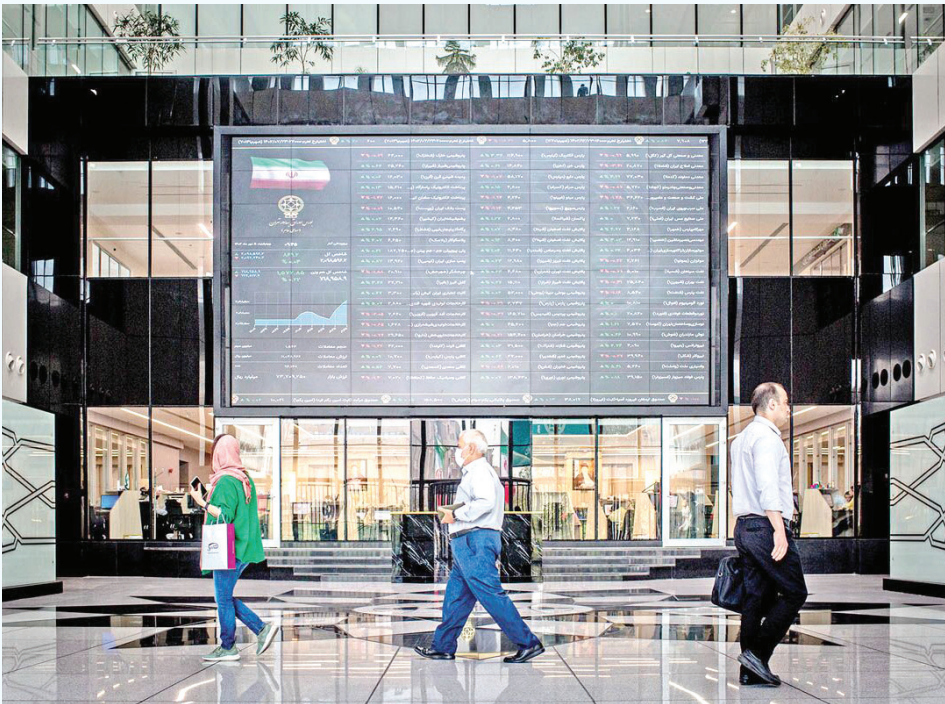
بازار سرمایه فقط آینده‌ای از واقعیت‌های اقتصادی نیست، بلکه خود موتور محرک رشد اقتصادی است

گروه اقتصاد| بازار سرمایه ایران در معرض آزمونی سخت قرار گرفته؛ آزمونی که نه تنها ریشه در تحولات ژئوپلیتیک دارد، بلکه ضعف‌های ساختاری و ناهماهنگی سیاست‌گذاری را نیز به‌وضوح آشکار کرد. تعطیلی ۱۲ روزه بورس در پی درگیری نظامی و بازگشایی آن در فضایی آکنده از بی‌اعتمادی، به‌جای بازگشت آرامش، به تشدید بحران انجامید.

«شهیر محمدنیا» کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با هفت صبح با اشاره به شرایط بحرانی اخیر می‌گوید: پس از ۱۲ روز تنش نظامی میان ایران و رژیم صهیونیستی که سایه‌ای سنگین بر اقتصاد کشور و بازارهای مالی انداخت، بازار سرمایه در نخستین روز هفته و پس از چند روز تعطیلی، فعالیت خود را از سر گرفت اما برخلاف انتظار برای بازگشت تدریجی آرامش، بازار با موج سنگینی از عرضه مواجه شد؛ به‌گونه‌ای که ارزش صف‌های فروش تنها در ساعات ابتدایی معاملات روز شنبه از مرز ۳۰ هزار میلیارد تومان عبور کرد.

این توصیف، نه فقط شدت واکنش بازار را نشان می‌دهد، بلکه به‌روشنی بیان می‌کند که بازار، برخلاف تصور برخی سیاست‌گذاران، با بازگشایی صرف به تعادل نمی‌رسد. محمدنیا به ریشه‌های این واکنش اشاره کرد و افزود: این واکنش شدید، موجی از انتقادات را متوجه نهادهای اقتصادی کشور کرد. بسیاری از فعالان بازار، وزارت امور اقتصادی و دارایی، صندوق تثبیت بازار، صندوق توسعه بازار و بازیگران حقوقی را به دلیل عدم حمایت مؤثر در شرایط بحرانی مورد انتقاد قرار دادند در حالی که در دوره‌های مشابه پیشین، استفاده از ابزار نظیر تزریق منابع حمایتی یا مداخلات دستوری، به‌عنوان راهکارهای رایج تلقی می‌شد اما پرسش اساسی این است که آیا چنین انتظاراتی در شرایط کنونی، واقع‌بینانه است؟

پول صرف، راهگشا نیست محمدنیا در پاسخ به این سوال که آیا در مواجهه با ریسک‌های



آنچه در روزهای اخیر رخ داد، بیش از آن که ناشی از تحولات بیرونی باشد، بازتابی از ضعف در حکمرانی اقتصادی و ناتوانی در طراحی ابزارهای مؤثر برای مدیریت ریسک بود. بازسازی اعتماد در بازار سرمایه، نیازمند نگاهی بلندمدت، اصلاحات ساختاری، توسعه ابزارهای پوشش ریسک و ارتقای شفافیت است. تنها در چنین شرایطی است که بازار می‌تواند نقش واقعی خود را در تأمین مالی، جذب سرمایه و هدایت نقدینگی ایفا کند. اکنون زمان آن رسیده که سیاست‌گذار، به‌جای واکنش‌های مقطعی، به طراحی یک معماری پایدار برای بازار سرمایه بیندیشد؛ معماری‌ای که در برابر توفان‌های آینده، مقاوم و تاب‌آور باشد.



بازگشایی بازار در حالی که دولت وعده حمایت داده بود، با افت بیش از ۷۴ هزار واحدی طی هفته گذشته فعالان بازار را به این پرسش واداشت که اگر قرار بود پس از آتش‌بس بازار سقوط کند، چرا در زمان جنگ تعطیل شد؟



وزیر اقتصاد: جزییات بسته حمایتی وزارت اقتصاد برای بازار سرمایه پس از تصویب دولت اعلام می‌شود. به محض اینکه نیاز به ارائه بسته‌ها باشد این بسته‌های حمایتی اعلام و اعمال خواهد شد. اقدامات سیاستگذاری ما هم نمی‌تواند قطعی بلکه باید مبتنی بر شرایط موجود باشد



دیروز رکورد فروش تاریخ بورس ایران شکسته شد و سرمایه‌گذاران ۶۴۴۴ همت از سرمایه‌های خود را از بازار خارج کردند. ۶۴ درصد این میزان سهم حقیقی‌ها و ۳۴ درصد سهم حقوقی‌ها بود



تنهای تنهای تنها...

گزارش تازه سازمان جهانی بهداشت از شیوع بی سابقه تنهایی و انزوای اجتماعی

به ویژه در میان دختران نوجوان خبر می دهد



رامتین لطیفی
دبیر بین الملل

طبق گزارشی جدید از سازمان جهانی بهداشت، از هر شش نفر در جهان، یک نفر احساس تنهایی می کند و هر سال صدها هزار نفر در اثر پیامدهای جسمی و روانی آن جان می یازند. این بحران جهانی که در سال های اخیر به فذغ غم های در فر هنگ عمومی و سیاست بدل شده، اکنون در کانون توجه نهادهای بین المللی قرار گرفته است. کمسیون «ارتباطات اجتماعی» سازمان جهانی بهداشت با بررسی داده های سال های ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳، کوشیده روشن کند چه کسانی بیش از دیگران در معرض تنهایی اند و این وضعیت چه پیامدهایی برای سلامت جسم و روان آنان دارد. یافته ها نشان می دهد که نوجوانان، به ویژه دختران نوجوان، بیش از هر گروه دیگری در جهان احساس تنهایی می کنند.

در گروه سنی ۱۳ تا ۱۷ سال، ۲۴.۳ درصد از دختران و ۱۷.۲ درصد از پسران اعلام کرده اند که احساس تنهایی دارند. در گروه جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله نیز درصد تنهایی میان زنان

و مردان به طور تقریبی برابر است (۱۶.۸ درصد برای زنان و ۱۷.۴ درصد برای مردان). این در حالی است که تنهایی در میان بزرگسالان میانسال (۳۰ تا ۵۹ سال) و سالمندان به مراتب کمتر است؛ به عنوان نمونه، تنها ۱۳ درصد از زنان بالای ۶۰ سال و ۹.۹ درصد از مردان سالمند احساس تنهایی دارند. به طور کلی، میانگین جهانی احساس تنهایی در میان زنان ۱۶.۱ درصد و در میان مردان



۱۵.۴ درصد است. این ارقام گرچه تفاوت زیادی میان دو جنس نشان نمی دهند اما توزیع سنی آنها هشدار دهنده است: هر چه سن پایین تر باشد، خطر تنهایی بیشتر است. این آمارها نشان می دهند که دختران نوجوان در دوره ای که باید اوج شکل گیری روابط اجتماعی شان باشند، بیش از هر گروه دیگری از فقدان ارتباطات رضایت بخش رنج می برند.

دلایل پنهان یک بحران خاموش

دکتر «یوگ مورتی»، معاون پیشین اداره جراحی عمومی آمریکا و رئیس مشترک این کمیسیون، در یک نشست خبری اعلام کرد: «عوامل گوناگونی پشت این موج گسترده از تنهایی و انزوا قرار دارد؛ از جمله سلامت جسمی و روانی ضعیف که خود می تواند به دوری فرد از جامعه دامن بزند، حاشیه نشینی اجتماعی و استفاده افراطی و مضر از رسانه های دیجیتال، به ویژه در میان جوانان.» او هشدار داد که صرف وقت به تنهایی، به معنای تنهایی نیست. از نظر سازمان جهانی بهداشت، «انزوای اجتماعی» زمانی رخ می دهد که فرد از شبکه روابط اجتماعی کافی برخوردار نباشد اما «تنهایی» به معنای «حساس در دناک ناشی از نداشتن روابطی است که فرد خواهان آن هاست.» داده های موجود درباره انزوای اجتماعی محدود است اما این کمیسیون یک آورد می کند که این پدیده تا یک سوم سالمندان و یک چهارم جوانان را تحت تأثیر قرار داده است.

تجربه سوئد: کارت های اجتماعی برای نسل جوان

برخی کشورها پیشاپیش گام هایی در این مسیر برداشته اند. سوئد در سال جاری طرحی ۳۰ میلیون یورویی برای مقابله با تنهایی آغاز کرده است. به گفته «یاکوب فورس مد»، وزیر امور اجتماعی و سلامت عمومی سوئد، بخشی از این طرح به شناسایی سالمندان تنها و برقراری ارتباط با آنها اختصاص یافته است. همچنین از ماه های آینده، کارتهایی به نوجوانان ۱۶ تا ۱۸ ساله داده خواهد شد که با آن می توانند در فعالیتهای جمعی مانند ورزش، گردش در طبیعت، کارهای داوطلبانه و رویدادهای فرهنگی شرکت کنند؛ اما این کارتها فقط برای فعالیتهایی معتبر خواهند بود که با حضور دیگران انجام می شوند. هدف این برنامه، تقویت مهارت های اجتماعی جوانان و ایجاد پیوند میان نسل هاست.

بیک بیوتیفول بیل علیه رویای آمریکایی

لایحه بودجه جنجالی دونالد ترامپ با وعده کاهش مالیات و تحول اقتصادی، موج بزرگی از انتقادات فراحزبی را برانگیخته است



فاجعهای برای افشار آسیب پذیر خواهد بود.

افزایش هزینه برق خانوارها

حذف یارانه های انرژی سبز که در دوره بایدن تصویب شده بود، یکی از بخش های کلیدی این لایحه است. این تصمیم می تواند هزینه های انرژی خانوارها را افزایش دهد، به ویژه در مناطقی که به پروژه های انرژی تجدیدپذیر وابسته اند. تحلیلگران پیش بینی می کنند این تغییر به افزایش صدها دلاری قبوض برق منجر شود، در حالی که مشاغل سبب نیز با خطر کاهش سرمایه گذاری مواجه اند.

میلیون ها شغل در معرض تهدید

ایلان ماسک که زمانی از حامیان این لایحه بود، هشدار داده که این طرح می تواند «میلیون ها شغل» را در بخش های تولید و ساخت وساز نابود کند. حذف یارانه های انرژی پاک و محدودیتهای مالیاتی می تواند پروژه های زیرساختی و تولیدی را متوقف کند، به ویژه در ایالت هایی که به این صنایع وابسته اند. این نگرانی حتی در میان جمهوری خواهان نیز بازتاب یافته است.

بزرگ ترین کاهش بودجه در کمک های غذایی

لایحه با کاهش ۲۹۴ میلیارد دلاری بودجه برنامه کمک غذایی (SNAP) که به خانواده ها، کودکان و

در جمهوری چین، جایی که فقر ساختاری و سرکوب سیاسی هنوز سایه ای بزرگ انداخته، آدام قدیروف، پسر رمضان قدیروف، در مراسم عروسی اش تصویری تمام عیار از رژه قدرت، ثروت و بی قانونی را به نمایش گذاشت. او پشت فرمان یک مرسدس بنز نایاب به رنگ سبز «اگاو» نشست، با اسلحه کمری خود شلیک هوایی کرد و ساعت مچی خود به ارزش چند میلیون دلار را به نمایش گذاشت. همه اینها در حالی رخ داد که طبق تحریرهای اتحادیه اروپا، ورود خودروهای لوکس آلمانی از جمله مرسدس بنز به روسیه ممنوع است.

مرسدس ممنوعه اما حاضر در میدان

خودروی مورد استفاده آدام، مدل خاصی از سری «قوی تر از دهه ۱۹۸۰» است که تنها ۴۶۰ نسخه از آن تولید شده و قیمت پایه اش نزدیک به ۱۹۰ هزار دلار است. این مدل با ویژگی هایی خاص مانند پنل های منحصربه فرد در درب و داشبورد، به راحتی قابل شناسایی است. با وجود ممنوعیت صادرات چنین خودروهایی به روسیه از مارس ۲۰۲۲، این مرسدس از مسیرهای خاکستری و کشورهای ثالث مانند قزاقستان، ارمنستان یا ترکیه وارد شده و از جنگ قانون فرار کرده است. مرسدس بنز که از لحاظ فنی قادر است از راه دور خودروهایش را غیرفعال کند، تاکنون هیچگاه به طور علنی در موارد مشابه اقدامی نکرده است. کارشناسان

می گویند برندهای بزرگ در عمل بین تحریم های رسمی و سود بازار روسیه، دومی را انتخاب می کنند.

میراث خاکستری یک برند

در بازار سیاه روسیه فعالیت دارد. خودروهایی که از این کارخانه خارج می شوند، ابتدا به کشورهای همسایه صادر و سپس دوباره به روسیه وارد می شوند. این سیستم پیچیده باعث شده برند مرسدس همچنان در اختیار حلقه های



دلایی لاما، رهبر معنوی بودائیان تبت و نماد مقاومت مسالمت آمیز که در سال ۱۹۵۹ پس از سرکوب قیام تبت توسط چین به هند گریخت، با نزدیک شدن به ۹۰ سالگی قصد دارد در گردهمایی بزرگی در دارامسالای هند جزئیات جانشینش را اعلام کند. او که به نام «تزنین گیاتسو» شناخته می شود، بارها تأکید کرده جانشینش خارج از چین و به احتمال فراوان در هند متولد خواهد شد و از تبتی ها خواسته فردی را که یکن انتخاب کند نپذیرند. بر اساس باور بودایی، دلایی لاما تجسد یک راهب روشن ضمیر است که برای هدایت معنوی بازمتولد می شود. چین که او را «جدایی طلب» می خواند، با دخالت در روند تناسخ به دنبال کنترل این نهاد است. این جانشینی برای حفظ هویت فرهنگی و مذهبی تبت و ترویج صلح جهانی حیاتی به شمار می رود، زیرا دلایی لاما نماد نوع دوستی و مقاومت در برابر سرکوب است.

عروسی با تم دور زدن تحریم ها

آدام قدیروف، پسر رمضان قدیروف، در مراسم ازدواج خود با ساعتی چندمیلیون دلاری بر مچ و تفنگی در دست، سوار بر مرسدسی کمیاب شد که صادرات آن به روسیه ممنوع است



داشت که قیمت آن بین ۲ تا ۸ میلیون دلار تخمین زده می شود. چنین تجملی، در یکی از فقیرترین جمهوری های روسیه و در دل جنگ، تحریم و بحران اقتصادی، بیش از آنکه نماد ثروت باشد، نماد گسست عمیق میان سران حکومت و مردم است. صحنه هایی از آدام در حال شلیک با تفنگ کمری «استچکین» از پنجره خودرو، در کنار تصاویر خودرو و ساعت میلیاردری، تابلویی تمام عیار از نسل جدید الیگارشی روسیه ترسیم می کند؛ نسلی که از دل جنگ، تحریم و ایدئولوژی بیرون آمده، اما در عمل چیزی جز تجمل، قدرتمندی و مصونیت نمی شناسد.

قدرت باقی بماند. سرگئی اصلاتیان، روزنامه نگار باسابقه حوزه خودرو می گوید: «مرسدس بنز هیچگاه از روسیه خارج نشده است. چهار بار در ظاهر آن را از روسیه برده اند اما همیشه در بازار مانده است. اگر مشتری بخواهد، همیشه می تواند از طریق نمایندگان گی های به ظاهر غایب و تعمیر کاران نامرئی، به خدمات این برند دسترسی پیدا کند.»

ساعت میلیاردری بر مچ داماد

آدام قدیروف در مراسم ازدواجش، ساعتی از برند «جیکوب اند کو» مدل «آشوکای میلیاردر» به دست

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



شیطان پرادابوش با ستاره های هالیوود باز می گردد!



فیلم مورد انتظار «شیطان پرادا می پوشد ۲» با بازگشت ستارگان درخشانش، مریل استریپ، آن هاتوی، امیلی بلانت و استلنی توچی، به طور رسمی وارد مرحله تولید شد. این دنباله از فیلم پرطرفدار سال ۲۰۰۶ که بر اساس رمان لورن ویزبر گر ساخته شد و با فروش خیره کننده ۳۲۶ میلیون دلاری، مریل استریپ را به نامزدی اسکار رساند، بار دیگر ما را به دنیای پر زرق و برق مد و چالش های میراندا پرستلی، سردبیر افسانه ای و سخت گیر مجله «ان وی»، می برد. در این قسمت، میراندا با بحرانی تازه روبه روست: صنعت چاپ سنتی در حال افول است و او باید برای بقای امپراتوری اش در دنیای دیجیتال، چاره ای بیابد. شایعات از رویارویی هیجان انگیز او با اندی (آن هاتوی)، دستیار سابقش، حکایت دارند که حالا به مدیر بانفودی با کنترل بودجه های کلان تبلیغاتی تبدیل شده است. در این میان، کنت برانا با ایفای نقش همسر میراندا به داستان رنگ و بویی تازه می بخشد و نوید لحظه هایی پر احساس را می دهد. دیزنی با انتشار تصویری از دو کفش قرمز نمادین در اینستاگرام، هواداران را غرق در هیجان و شروع فیلمبرداری را تأیید کرد. این درام پرشکوهِ با پیشش های داستانی غیرمنتظره، آماده است تا بار دیگر دنیای مد را زیر و رو کند. «شیطان پرادا می پوشد ۲» در ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ روی پرده می رود.

تلوزیون



نیویوک تایمز آمریکا عکس اصلی خود را به عزاداری خانواده های مظلوم غزه اختصاص داد که عزیزان خود را در بمباران مناطق امن ساحلی توسط ارتش جنایتکار اسرائیل از دست دادند.

لو پاریزین فرانسه، آغاز موج گرمای بی سابقه در فرانسه را عاملی برای تولد یک فاجعه بزرگ ملی توصیف کرد. برای مثال موج گرما سبب شد تا فرانسه یکی از نیروگاه های هسته ای خود را خاموش کند.





التیام زخم‌های جنگ، اولویت امروز

خسارت دوران جنگ را چگونه و از کجا بگیریم؟

بررسی تلفن‌های ضروری، پایگاه‌های بحران، چگونگی اعلام خسارت و جزئیات بسته‌های حمایتی



آخرین شب جنگ بود. صدای پدافند هوایی یک‌ریز در آسمان تهران شنیده می‌شد، هنوز کسی نمی‌دانست آیا آتش‌بس واقعا نزدیک است یا نه. خیابان‌های شهر خلوت و بیشتر مردم، در خانه مانده بودند. مجید رضایی هم یکی از آنها بود. مردی میانسال، معاون شعبه یکی از بانک‌های تهران، ساکن محله سیدخندان. ساعتی قبل تر خانواده را جایی که گمان می‌کرد امن‌تر است، خارج از تهران و نزد خانواده پدری گذاشته و خود تنها به تهران بازگشته بود تا صبح روز بعد سر کار حاضر باشد. شب را در سکوت خانه می‌گذراند؛ پای تلویزیون، اخبار را دنبال می‌کرد، با موبایلش پیگیر آخرین خبرها بود و گاهی از پنجره نگاهی به بیرون می‌انداخت و رد زرد و قرمز پدافندهایی را دنبال می‌کرد که یک‌ریز شلیک می‌کردند. نزدیک نیمه‌های شب بود که صدای انفجار آمد؛ کوتاه، سنگین، کوبنده. موج انفجار، شیشه‌های پذیرایی را مثل برگ‌های خشک پاییزی به زمین ریخت. دیوار گوشه سالن ترک برداشت. بخشی از گچ سقف ریخت و پنجره اتاق شکست.

ادامه‌ازصفحه ۲

مردانی با پرونده‌هایی در دست که از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر می‌رفتند، عکس می‌گرفتند، ترک‌ها را اندازه می‌زدند و می‌پرسیدند: «چه زمانی این اتفاق افتاد؟ چند نفر در خانه بودند؟ بیمه‌نامه دارید؟»

فرایند ثبت خسارت از همین بازدیدها آغاز می‌شود. اما پیش از آن، این صاحبخانه‌ها هستند که باید قدم اول را بردارند. آنها باید با شماره‌هایی که بنیاد مسکن اعلام کرده تماس بگیرند، یا با مراجعه به ستادهای محلی که در مدارس، مساجد یا ساختمان‌های دولتی مستقر شده‌اند مدارک و مستندات خود را ارائه کنند.

تهرانی‌ها می‌توانند با ارسال پیامک به شماره‌های ۰۹۹۹۹۰۲۴۷۵۹ یا ۰۹۹۹۹۰۲۴۷۵۸، خسارت خانه‌های خود را اعلام کنند. ستاد بازسازی نیز در چهار منطقه تهران، شرق، غرب، مرکز و جنوب دفاتر خود را باز کرده است تا مردم حضوری مراجعه کنند و مدارک خود را تحویل دهند.

چه مدارکی نیاز است؟

اما مدارک چه چیزهایی است؟ کپی سند یا اجاره‌نامه، کارت ملی، عکس‌های واضح از محل خسارت، گزارش مأمور نیروی انتظامی یا آتش‌نشانی اگر در محل حاضر شده‌اند و گاهی حتی فیلمی از لحظه وقوع انفجار یا پیام‌های صوتی همسایه‌ها. اینها سندهای کوچک اما مهمی‌اند که بعدها مبنای ارزیابی خواهند شد. بنابراین اگر خسارت دیده‌اید تا می‌توانید از خسارت وارد شده مستندسازی کنید.

وعده بنیاد مسکن

اما شاید مهم‌ترین بخشی ماجرا آنجاست که بنیاد مسکن اعلام کرده نه‌تنها خسارت را جبران می‌کند، بلکه برای خانوارهایی که خانه‌شان کاملا تخریب شده یا قابل سکونت نیست، کمک هزینه رهن و اجاره نیز در نظر گرفته شده است. این یعنی خانواده‌هایی که فعلا نمی‌توانند به خانه‌شان برگردند، می‌توانند با کمک این بودجه، واحد موقتی اجاره و با خیال راحت صبر کنند تا خانه‌شان بازسازی شود.

۳۵۰۰ واحد مسکونی در تهران، طبق برآوردهای اولیه، آسیب دیده‌اند. ۳۳۲ ساختمان در مناطق مختلف پایتخت، آسیب‌های جدی دیده‌اند. بسته مالی این بازسازی‌ها به دولت ارسال شده و اگر تصویب نهایی در جلسه هیات وزیران انجام شود، پرداخت‌ها آغاز خواهد شد.

همچنین سازمان مدیریت بحران شهر تهران اعلام کرد تاکنون ۴۰۷ نفر در قالب ۱۲۹ خانوار به‌صورت اضطراری اسکان داده شده‌اند. این اسکان در چهار هتل شهر تهران صورت گرفته تا آسیب‌دیدگان در

فضای امن و قابل قبولی استراحت کنند. گرچه برخی خانواده‌ها ترجیح دادند از این اسکان صرف‌نظر کنند و نزد اقوام یا آشنایان بروند اما شهرداری همچنان اعلام کرده در صورت نیاز، امکان اسکان موقت همچنان فراهم است. شماره تماس ۰۲۱۹۶۰۲۴۲۲۹ و ۰۲۱۹۶۰۸۷۳۹۰ برای پیگیری امور مربوط به اسکان، ارزیابی خسارت یا مسائل ایمنی ساختمان‌ها از سوی این سازمان در اختیار شهروندان قرار گرفته است.

۳۵۰۰ واحد مسکونی در تهران، طبق برآوردهای اولیه، آسیب دیده‌اند. ۳۳۲ ساختمان در مناطق مختلف پایتخت، آسیب‌های جدی دیده‌اند. بسته مالی این بازسازی‌ها به دولت ارسال شده و اگر تصویب نهایی در جلسه هیات وزیران انجام شود، پرداخت‌ها آغاز خواهد شد.

شهرداری همچنان اعلام کرده در صورت نیاز، امکان اسکان موقت همچنان فراهم است. شماره تماس ۰۲۱۹۶۰۲۴۲۲۹ و ۰۲۱۹۶۰۸۷۳۹۰ برای پیگیری امور مربوط به اسکان، ارزیابی خسارت یا مسائل ایمنی ساختمان‌ها از سوی این سازمان در اختیار شهروندان قرار گرفته است.

در مجموع، ۴۵ نقطه در ۱۲ منطقه شهری تهران هدف قرار گرفتند و اکنون در ۱۹ نقطه، چادرهای بحران برپا شده‌اند. این چادرها نقش «میز خدمت» را دارند؛ جایی برای ثبت خسارت، مشاورت حقوقی، ارجاع به نهادهای مسئول و پاسخ به سوالات مردم. همچنین در ۸ نقطه دیگر، چادرهایی با کارکردهای فرهنگی-اجتماعی برپا خواهند شد تا به ابعاد روانی ماجرانیز رسیدگی شود.

رئیس سازمان مدیریت بحران تأکید کرده که قانون مدیریت بحران کشور شامل وضعیت جنگ نمی‌شود و در چنین شرایطی، نهادهایی مثل شهرداری، عملاً فراتر از وظایف قانونی خود عمل کرده‌اند. یکی از این اقدامات، دستور شهردار تهران برای تعویض شیشه‌های شکسته ساختمان‌هاست؛ هر چند شهرداری مسئولیت قانونی برای تعمیرات جزئی ندارد، اما این کار با هدف حفظ کرامت و آسایش اولیه مردم آسیب‌دیده انجام شده.

بیمه‌ها چه کمکی می‌کنند؟

در کنار سازوکارهای دولتی، این‌بار بیمه هم

نقشی تازه یافته است. گرچه در گذشته، بسیاری از شرکت‌های بیمه خسارات ناشی از جنگ را به عنوان استثنا در قراردادهای خود ذکر می‌کردند، اما با دستور جدید بیمه مرکزی، شرایط تغییر کرده است. حالا شرکت‌های بیمه می‌توانند (باید) پوشش جنگ را نیز در بیمه‌نامه‌های آتش‌سوزی منازل، بدنه خودرو و درمان تکمیلی وارد کنند. مهم‌تر آنکه، حتی خودروهایی که بیمه‌نامه‌شان فاقد پوشش جنگ بود، نیز بازدید و ارزیابی می‌شوند. شرکت‌های بیمه با هماهنگی وزارت اقتصاد، مأمور شده‌اند تمام خودروهای آسیب‌دیده را حتی اگر بیمه نبوده باشند، ارزیابی کنند و گزارش خسارت برایشان صادر کنند. خبر خوب‌تر اینکه اگر شرکت بیمه‌ای توان پرداخت نداشت، بیمه مرکزی سهم اکثاری خود را پرداخت خواهد کرد. این یعنی حتی اگر شرکت بیمه شما کوچک و ناوان باشد، پشتوانه‌ای در کار هست.

اگر خانه‌تان آسیب دیده، اگر پنجره‌ای شکسته، اگر سقف ترک خورده یا اتاقی دیگر امن نیست، منتظر نمانید. عکس بگیرید، یادداشت کنید، تماس بگیرید و پیگیر باشید. خانه شما، مثل خانه آقای رضایی، فقط یک بنا نیست؛ بخشی از حافظه زندگی‌تان است و حالا که جنگ زخم زده، این حق شماست که برای درمانش پافشاری کنید.

سختی با دولتمردان

جنگ اگرچه به پایان رسید اما زخم‌هایش هنوز در خیابان‌ها و خانه‌ها و دل‌های مردم تازه است. هنوز برخی پنجره‌ها بدون شیشه‌اند، برخی خانواده‌ها بی‌پناه‌اند و برخی امیدها زیر خاکستر اضطراب پنهان شده‌اند. در چنین شرایطی، دیگر هیچ اولویتی بالاتر از رسیدگی به این زخم‌ها وجود ندارد. دولت اگر می‌خواهد اعتماد عمومی را باز یابد، باید هر چه زودتر مردم آسیب‌دیده را از بلا تکلیفی نجات دهد. باید سامانه‌ها و فرآیندهای اعلام خسارت، ارزیابی و پرداخت غرامت را ساده و شفاف کند. نباید شهروندی که خانه‌اش نیمه‌ویران شده، ساعت‌ها در صف ادارات بایستد یا میان بخشنامه‌ها، فرم‌ها، امضاها و ارجاع‌ها سرگردان بماند.

ارائه خدمات حمایتی، اسکان موقت، بازسازی خانه‌ها، تسهیلات بانکی و کمک‌های بلاعوض باید با رویه‌ای روشن و بدون تشریفات خسته‌کننده اجرا شود. مردم در این روزها، بیشتر از هر زمان دیگری، نیاز به حس دیده‌شدن دارند. باید احساس کنند که دولت، نه فقط از پشت میزکوف‌ها که از پشت پنجره‌های شکسته خانه‌شان هم صدای‌شان را شنیده است.

اگر دولت بتواند آنان را از این مسیر پیچیده اداری عبور دهد و آغوش حمایتش را به‌موقع بگشاید، بذر اطمینان را در دل شهروندانی خواهد کاشت که در روزهای التهاب آرام بودند.

حوادث

روایتی هولناک از سرنوشت دختر ۷ساله کرجی که قربانی کینه‌جویی خانوادگی شد

جسد لیانادر کانال آب، گوشواره‌ها در جیب قاتل



فاطمه شیخ‌علیزاده
دبیر حوادث

اسفند سال گذشته، دختر بچه‌ای به نام لیانا، در حالی که برای بازی به کوچه رفته بود، به طرز مرموزی از مقابل خانه مادرزنگش ناپدید شد. جست‌وجوی خانواده و آغاز تحقیقات قضایی و پلیسی به سرعت در دستور کار قرار گرفت. در میان جمع نگران خانواده، مردی حدوداً ۵۵ساله که بعداً مشخص شد شوهر خاله لیاناست، سعی می‌کرد خونسرد رفتار کند، اما اضطراب و رفت‌وآمدهای بی‌دلیلش توجه بسیاری را جلب کرده بود. رفتار مشکوک این مرد باعث شد

مأمور پلیس به بهانه‌ای او را از صحنه دور کند. در غیاب او، سگ پلیس به خودروی او واکنش نشان داد و این سرخ، نقطه آغاز افشای حقیقت تلخ ماجرا بود. مرد مشکوک خیلی زود دستگیر شد و در بازجویی‌ها اعتراف کرد که همان روز، ساعت ۱۷، لیانا را سوار خودرو کرده و به منطقه‌ای در ولدآباد کرج برده و با ضربات چاقو به قتل رسانده است.

آن روز، لیانا در کوچه با‌نوه قاتل و پسرخاله‌اش بازی می‌کرد. ساعت حدود شش عصر پسر قاتل به دنبال فرزند خودش آمد و او را برد. پسر خاله لیانا هم به خانه رفت. لیانا یک بار به خانه آمد و لباسش را عوض کرد اما دوباره به کوچه رفت تا شاید همبازی پیدا کند.

بالفاصله مادر لیانا به پسر خود گفت تا این لحظه، گزارش جامعی از میزان دقیق خسارات وارد شده منتشر نشده اما چهره‌های نگران امثال سینا، هانیه یا خبرنگاران کنار گذاشته‌شده به تنهایی می‌توانند گواه روشنی بر شکنندگی و ناکارآمدی زیرساخت‌های موجود باشند.

می‌گوید: «وقتی لیانا را تنها دیدم به او گفتم سوار ماشینم شو تا برایت خوراکی بخرم. او روی صندلی عقب نشست و در ولدآباد برایش خوراکی خریدم. اما در جایی خلوت با چاقویی که داشتم چند ضربه به سینه او زدم و او را به قتل رساندم. بعد هم جسد را در زیر یک سنگ و پلاستیک در کانال آب قرار دادم.»

بی‌تابی مادر لیانا شدت می‌گیرد و می‌گوید: «اگر این متهم با من مشکل داشت و انگیزه‌اش فقط انتقام بود چرا گوشواره‌های دخترم را برداشته بود؟ در تمام ساعت‌هایی که ما نگران و بی‌تاب لیانا بودیم گوشواره‌های دخترم در جیب این مرد بود. او گفته بود تا لحظه‌ای که مأموران آگاهی او را دستگیر کردند گوشواره در جیبش بوده و ادعا می‌کند بعد از دستگیری پنهانی گوشواره را از جیبش درآورد و گوشه‌ای پرتاب کرد. حتی شاید این ادعایش هم دروغ باشد.»

متهم فقط سرش را پایین می‌اندازد و می‌گوید من دزد نیستم!

همه حاضران در دادگاه با دیدن قاب عکس لیانا و لیخندی که برای همیشه در عکس خشکید منقلب و غمی‌گینند. چشمان لیانا در عکس می‌درخشد اما قاتل هیچ ابراز پشیمانی و بخششی نمی‌کند!

«هانیه» مثال دیگری ست از داستان یک زن جوان و پر تلاش که سه سال تمام در یک شرکت خصوصی باقراردادهای کوتاه و چندماهه سر کرده بود و همچنان امیدوارانه به آینده نگاه می‌کرد. جنگ اما انگار داستان زندگی‌اش را عوض کرد؛ داستانی که فکرش رانمی‌کرد اینگونه پایان پذیرد: «قرار دادم بعد از این بحران تمدید نشد. نه بهانه‌ای داشتمند و نه توضیح درستی دادم... صرفاً گفتند در این اوضاع و احوال امکان تمدید نیست»

نه‌تنها شرکت‌های خصوصی بلکه حتی خبرنگارانی که با حداقل دستمزدها در دل حوادث اخبار جنگ را پوشش می‌دادند نیز از این توفان بی‌نصیب نماندند. شماری از خبرنگاران که در شرایط بحرانی حاضر به حضور در محل کار نبودند و درخواست دور کاری داشتند، با این واقعیت تلخ مواجه شدند که مدیرانشان ترجیح دادند آنها را کنار بگذارند. گویا در برخی نگاه‌های مدیریتی و رسانه‌ای، در نگارنی انسانی و طبیعی جایی ندارد و باید در خط مقدم باشی تا معاش هم داشته باشی!

دس‌های جنگ برای اقتصاد

اما حالا پس از آتش‌بس، گرد و غبار جنگ کم‌کم فرو می‌شیند و آنچه پیش روی ماست تل‌های آواری است در حوزه اقتصاد و کسب‌وکار؛ آواری که باید سریع و به‌دقت کاویده و بازسازی شود. انجمن مدیریت کسب‌وکار ایران هم در بیانیه‌ای فوری، ضرورت اقدامات دولت را متذکر شده است. آنها شفاف و روشن گفته‌اند که حال اقتصاد خوب نیست و حمایت فوری لازم است: پرداخت سریع خسارت‌ها، ایجاد تنفس در تعهدات مالی و اداری، حمایت از استمرار فعالیت کسب‌وکارها در فضاهای استیجاری، ارائه تسهیلات فوری به بنگاه‌های کوچک و متوسط، بازگرداندن امیدوارانه کارآفرینان به چرخه فعالیت اقتصادی و بهبود سریع زیرساخت‌های ارتباطی کسب و کار های

امنیت شغلی در روزهای بعد از جنگ به خطر افتاده است

دور کاری مقدمه بیکاری است؟

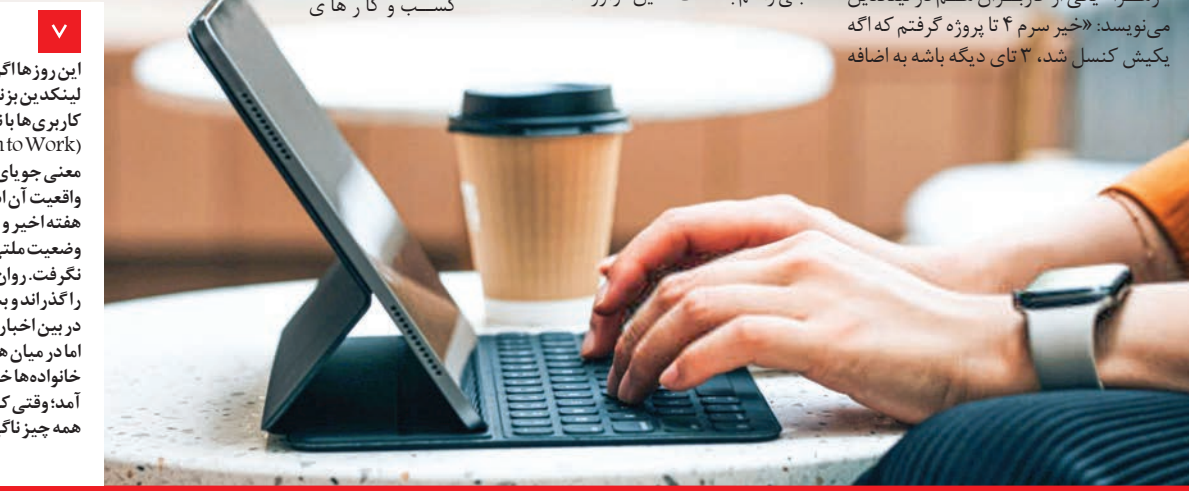
ژوین صفاری
هفت صبح

در میان گرد و غبار و تبادلات آتش یک جنگ ۱۲ روزه، آنچه بار دیگر ثابت شد، شکنندگی اقتصاد به‌خصوص در بخش خصوصی بود. بررسی‌های جهانی نشان می‌دهد که درگیری‌های نظامی همواره با افزایش نرخ بیکاری، کاهش سرمایه‌گذاری و فرار مغزها همراه است، با این حال عدم اطمینان از پایان تنش همچنان سایه خود را بر اقتصاد به‌خصوص در بخش خصوصی گسترده و بسیاری شغلشان تحت تاثیر اتفاقات اخیر قرار گرفت.

طبیعی است که اقتصاد ایران پیش از این هم با مسئله عدم رشد اقتصادی، تحریم و رکود اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کرد و با وقوع یک ریسک سیستماتیک مانند جنگ، وضعیت برایش حادث تر شود. با این حال جوانانی که طی این سال‌ها در کشور ماندند، قید مهاجرت را زدند تا در کشور خود مشغول باشند، مستحق این همه شوک و عدم‌اطمینانی برای آینده شغلی خود نیستند.

یکی از مشکلات دیگر قطع شدن اینترنت بود که روی همه ابعاد زندگی ایرانی‌ها تاثیر گذاشت. اختلال در شبکه بانکی کشور و قطع شدن اینترنت بین‌المللی، از یک‌سو و فشارهای روانی نیروهای انسانی از سوی دیگر، بسیاری از کسب‌وکارها را با چالش جدی تعطیل شدن مواجه کرده است. فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال باور دارند وزارت ارتباطات و معاونت علمی ریاست جمهوری برای عبور از این بحران باید به داد کسب‌وکارها برسند و علاوه بر برطرف کردن مشکلات اینترنت، تسهیلاتی برای آنها

«زهر» یکی از کاربران هم در لینکدین می‌نویسد: «خبر سرم ۴ تا پروژه گرفتم که اگه یکیش کنسل شد، ۳تای دیگه باشه به اضافه



۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ت	ش	ک	ی	ل	ا	ت	ر	ف	ر	م	ی	س	م	س
م	ی	ا	ن	ب	د	ت	ا	م	س	ای	ر	ر	ر	ر
ا	ش	ا	ن	د	ز	ت	ک	ز	د	ر	ر	ر	ر	ر
ش	ی	د	ا	و	ی	ا	ر	ا	ی	ای	ش	ش	ش	ش
ا	م	ا	ک	ن	ج	ی	ب	ب	ی	د	ا	ر	ر	ر
ی	ا	ر	و	ک	ی	ا	س	ر	ا	ن	و	و	و	و
ی	ا	ت	ا	ش	ی	ا	ن	ای	ر	ا	ر	ر	ر	ر
د	ا	ن	ع	م	ا	ت	ل	ب	ل	ب	ا	ر	ر	ر
د	ا	د	ا	ر	ی	ا	و	ن	و	و	و	و	و	و
ی	ا	م	ا	ر	ا	م	ی	ا	ن	پ	ر	و	و	و
ای	ای	ا	ک	و	س	ع	ه	ل	ی	ا	و	و	و	و
د	ا	م	ا	س	ت	ا	ر	ا	د	ا	د	د	د	د
ب	ش	ر	ن	ب	ا	ک	ا	و	ا	ک	ر	ر	ر	ر
ک	م	ا	ل	ش	ر	ا	س	ت	ع	ا	م	ل	ل	ل
ر	س	ت	گ	ا	ر	ی	ف	ر	ی	ا	و	و	و	و

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
زیر نظر: شورای سردبیری
مدیر هنری: وحید غفاری
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذرپور

دبیر ورزش: امید ذاکری نیا
دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده
دبیر بین الملل: زامتین لطیفی
ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کللیی

هفت صبح

پزنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفاً با
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
ممنوع و قابل پیگیری قانونی است
pr@7sobh.com
www.7sobh.com

ویپ‌ها با ظاهری شیک و طعم‌های فریبنده، با فلزات سمی؛ مغز، ریه و اعصاب را نشانه می‌روند

اگر جرات داری، نفس بکش

سازنده سیگارهای الکترونیکی یاد می‌شود، وارد میدان شد. او در سال (۲۰۰۱ میلادی (۱۳۸۰ خورشیدی) به ساخت دستگاهی فکر کرد که با یک المنت فرکانس بالا و پیزوالکتریک بتواند بخاری فشرده از محلول نیکوتینی ایجاد کند.

هشدار آلودگی بالای ویپ‌های یک‌بار مصرف به فلزات سمی

با این حال در طول این سال‌ها، کارشناسان کشورهای مختلف هشدار داده‌اند که با وجود افزایش محبوبیت ویپ‌های یک‌بار مصرف در بین نوجوانان و جوانان با خطرات بالقوهای برای سلامتی همراه است که هنوز در حال بررسی هستند. مطالعاتی که در ۲۵ ژوئن توسط دانشگاه کالیفرنیا-دیویس منتشر شد، نشان داد که ویپ‌های یک‌بار مصرف از سه برند محبوب موجود در بازار آمریکا شامل Esco Bar، Flum و ELF Bar، فلزات سمی بیشتری نسبت به سایر انواع سیگارهای الکترونیکی و در برخی موارد، سیگارهای سنتتی آزاد می‌کنند. طبق گزارش این دانشگاه، متخصصان «سطوح خطرناکی» از انتشار سرب، نیکل و آنتیموان را در بخار این ابزار یافتند که در برخی از دستگاه‌ها از حد مجاز خطر برای سرطان و سایر بیماری‌ها مانند آسیب عصبی و بیماری‌های تنفسی فراتر رفته است. همچنین مشخص شد که یکی از ویپ‌های مورد مطالعه در یک روز استفاده، سرب بیشتری نسبت به تقریباً ۲۰ بسته سیگار آزاد می‌کند.

الکترونیکی ارائه شد، به سال ۱۹۶۳ میلادی (۱۳۴۲ خورشیدی) بازمی‌گشت که هربرت گیلبرت آن را مطرح کرد. او طرحی برای «سیگارهای بدون توتون و بدون دود» ثبت کرد که به جای سوزاندن توتون و کاغذ از بخار گرمادیده و طعم‌دار استفاده می‌کرد. چنین دستگاهی هوای طعم‌دار بدون نیکوتین تولید می‌کرد اما این اختراع، بسیار از زمان خود جلوتر بود و کسی به آن توجه نکرد و هیچ وقت تبلیغاتی برای آن نشد. در سال ۱۹۸۶ میلادی (۱۳۶۵ خورشیدی) فیل ری که یکی از مخترعان ریزپردازنده‌هاست، روی طرحی کار کرد که تحت شرکت «محصولات پیشرفته تنباکو» به نام فیور (The Favor) به بازار آمد. این محصول شبیه سیگارهای کلاسیک بود که در انتهای خود فیلتری کاغذی داشت که به محلول نیکوتین آغشته می‌شد تا کاربران مقدار کمی از نیکوتین را مصرف کنند. این دستگاه هیچ الکتر بیسته یا دودی نداشت و برای افراد سیگاری جایگزینی در شرایطی بود که امکان سیگار کشیدن وجود نداشت. سال بعد از آن، سازمان غذا و داروی ایالات متحده اجازه استفاده از سیگارهای الکترونیکی را صادر کرد و پس از آن، شرکت محصولات پیشرفته تنباکو بدون دریافت اخطار تولید سیگار فیور را متوقف کرد. برندا کافی، همسر فیل ری، کلمه ویپ کردن را جا انداخت و پس از آن سیگارهای الکترونیکی به وفور تولید شدند. تمامی این تلاش‌ها نهایتاً به جایی رسید که هون لیک همان داروساز و مخترع چینی که از او به عنوان اولین

ویپ یا همان سیگار الکترونیکی دستگاهی است که کشیدن توتون را شبیه‌سازی می‌کند. این دستگاه شامل یک اتومایزر، باتری و محفظه‌ای مثل کارتریج یا تانک است. مخترعان آن مدعی‌اند که این دستگاه از آن جهت برای افراد سیگاری مناسب است که به جای دود، بخار استنشاق می‌کنند. به همین خاطر این دستگاه‌ها به نام ویپ شناخته می‌شوند که در انگلیسی به معنی بخار کردن است. سیگارهای الکترونیکی با داغ کردن مایع یک آنروسل ایجاد می‌کنند. آنروسل بخار غلیظی است که داخل آن ذرات ریز جامد معلق است. محلول مایع آنها معمولاً شامل پروپیلن گلیکول (مایع بی‌رنگ، بی‌بو و کمی شیرین)، گلیسرین، نیکوتین و طعم‌دهنده است. البته در کنار آنها نیتروسامین و کارسینوژن داخل نیکوتین و نانوذرات فلزات سنگین نیز وجود دارد.

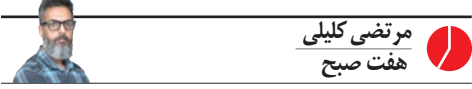
تاریخچه ساخت ویپ

گفته می‌شود که برای اولین بار یک داروساز چینی به نام «هون لیک» یک سیگار الکترونیکی مدرن ساخت اما کمیاتی‌های توتون‌سازی از سال ۱۹۶۳ میلادی یا ۱۳۴۲ خورشیدی روی دستگاه‌های نیکوتین آنروسل کار می‌کردند. در سال ۱۹۲۷ میلادی (۱۳۱۶ خورشیدی) «جوزف رابینسون» طرحی برای یک دستگاه بخار الکترونیکی ارائه داد که برای مصارف درمانی استفاده شود. این طرح سه سال بعد از آن پذیرفته شد اما هیچ وقت به بازار راه پیدا نکرد. اولین طرحی که برای سیگارهای

روایت

شیطنت شهید ابراهیم هادی در مراسم خواستگاری

درباره علت ازدواج نکردن ابراهیم هادی و تنها وعده‌ای که به خواستگاری دختری در محله دولت آباد رفتند



مرتضی کللی
هفت صبح

سلام دوباره به شهید ابراهیم هادی؛ پهلوان بسیجی ابراهیم هادی از بنیانگذاران گروه چریکی شهید اندرزگو در جبهه گیلانغرب و ستاره ورزش کشتی، بارها در هفت‌صبح از خاطرات این شهید عزیز نوشته‌ام؛ چند وقت پیش گاه‌شمار زندگی او را نوشتم. گفتنی‌ها درباره نحوه شهادت او و رشادت‌هایش در عملیات‌ها را شاید همین جا و جای دیگر خوانده باشید اما امروز به روی دیگر زندگی او می‌پردازیم. به زوایای پنهان و کمتر گفته شده از سجایای اخلاقی این شهید عزیز. اینجا به ذکر یک خاطره دیگر از ابراهیم برگرفته از کتاب جوانمرد-۲ می‌پردازم.

رضا هادی برادر بزرگتر ابراهیم درباره ازدواج نکردن او خاطره بامزه‌ای را تعریف می‌کند؛ از زیر بار ازدواج نرفتن ابراهیم و دلایلش و آن ماجرای خواستگاری که به قول امروزی‌ها پیچاند. قصه را در همین اول مطلب لو نمی‌دهم؛ خودتان بخوانید.

«ایرام اصلاً اهل زن و زن گرفتن و ازدواج نبود؛ هر چه به او می‌گفتمم بیا زن بگیر، زیر بار نمی‌رفت. تا وقتی که جنگ شروع نشده بود چون من ازدواج نکرده بودم و برادر بزرگترش بودم اگر هم می‌خواست (که نمی‌خواست) به احترام من حرفی نمی‌زد. بعد هم که من ازدواج کردم و جنگ شروع شد و پایش به جبهه باز شد، در جواب مادرم که دائم به او می‌گفت: «ابراهیم ازدواج کن حداقل یک یادگاری از خودت بذار.» می‌گفت: «نه، تا جنگ تموم نشه، من زن نمی‌گیرم. من نمی‌خوام دختر مردم رو بگیرم اسیر و عیبرش کنم. بذارین جنگ تموم بشه چشم، نوکرتونم هستم و ازدواجم می‌کنم.»

یک نوبت مادرم آنقدر برای ازدواج به پسر و پایش پیچید که قبول کرد همراه او و خواهر و خاله‌ام به خواستگاری دختری که یکی از دوستان معرفی کرده بود برود. قبل رفتن، ایرام با مادرم شرط کرد و گفت: «باشه میام می‌بینمش ولی بهتون قول نمی‌دم که عقدش کنم! مادرم گفت حالا بیا بریم، ببینش شاید دلت لرزید و راضی شدی.» خلاصه برای دیدن دختر خاتم، چهار تایی رفتند دولت‌آباد؛ ولی داش ایرام آنها را قال می‌گذار. ماجرا چه بود؟

قضیه از این قرار بوده که وقتی وارد خانه دختر خانم می‌شوند، مادر و خواهر و خاله به پذیرایی خانه می‌روند و ایرام در یک اتاق دیگری



عکس نوشت



عکس: عرفان کوچاری | هفت صبح

گزارش

چرا بعد از پایان یافتن جنگ دوباره سرو کله خاموشی‌ها پیدا شد؟

در روزهای جنگ همه ماندند، حتی برق!

زیرزمینی، اما گسترده شده است.

در آغاز، دستگاه‌های استخراج در کارخانه‌ها نصب می‌شدند؛ اما پس از برخورد‌های اولیه، حالا این تجهیزات به شکلی مخفیانه در خانه‌ها، سوله‌ها، مراکز کشاورزی و حتی کنار استخرهای پرورش ماهی پنهان شده‌اند. اله‌داد می‌گوید: بیش از ۵۰ درصد این دستگاه‌ها در مناطق صنعتی فعال‌اند. مناطقی که برق یارانه‌ای می‌گیرند تا کالای ضروری تولید کنند، اما حالا برقشان به استخراج رمراز اختصاص یافته است. این نشان می‌دهد که ما با یک پدیده محلی و کوچک روبه‌رو نی‌ستیم، بلکه با شبکه‌ای به‌هم پیوسته، هوشمند و قدرتمند مواجهیم که مقابله با آن، فقط با قطع برق یاینترنت ممکن نیست.

ماینرها به وزیر نیرو پیامک تهدید زدند

وزیر نیرو و هم معتقد است با شبکه‌ای قدرتمند و بانفوذ مواجه هستیم. عباس علی‌آبادی گفته بود که فعالیت ماینرهای غیرمجاز روزبه‌روز گسترده‌تر می‌شود. او حتی مدعی شده که پس از ارائه گزارش‌ی درباره فعالیت آنها به رئیس‌جمهوری، پیامک‌های تهدید در یافت کرده است! اگر این ادعا صحت داشته باشد، نشان از عمق نفوذ شبکه پنهان ماینرها در کشور دارد.

در سایه قانون نانوشته

همه این‌ها در حالی رخ می‌دهد که هنوز فعالیت استخراج رمراز به‌طور رسمی و مشخص جرم‌انگاری نشده است. این خلأ قانونی، در کنار نبود شفافیت و فقدان ابزارهای نظارتی مؤثر، راه را برای سودجویی برخی هموار کرده است. وزارت نیرو در بهمن ۱۴۰۳ اعلام کرده بود که سهم ماینرها از مصرف برق کشور به بیش از ۲۰ درصد رسیده است؛ عددی که اگر دقیق باشد، به معنای آن است که یک پنجم مصرف برق کشور صرف بیت کوین و رمراز می‌شود.

تابستان داغ، خاموشی‌های سرد

اما حالا ورق برگشته. خاموشی‌ها دوباره از راه رسیده‌اند. برخی مناطق کشور، به‌ویژه ناطقی با دمای بالاتر از ۴۵ یا حتی ۵۰ درجه، بار دیگر با برنامه‌های قطعی برق مواجه‌اند. سازمان هواشناسی هشدار داده که در روزهای آینده، دمای تهران از ۴۰ درجه نیز فراتر خواهد رفت. در چنین شرایطی، حتی قطع چندساعته برق می‌تواند آسایش مردم را تهدید و طاقت آنها را طاق کند، چه به‌خاطر گرمای طاقت‌فرسا، چه به دلیل قطع پمپ‌های آب یا از کارافتادن تجهیزات حیاتی.

خاموشی برنامه‌ریزی شده، یا خاموشی تدبیر؟ در پایان، یک سؤال جدی باقی می‌ماند: آیا می‌توان ریشه خاموشی‌ها را فقط در فعالیت ماینرها جست‌وجو کرد؟ یا آن‌طور که برخی می‌گویند، ما با مصرف‌کننده‌هایی روبه‌رو هستیم که در تاریکی قانون، مشغول روشن نگه‌داشتن دستگاه‌هایی‌اند که به نفع خود، اما به ضرر همه کار می‌کنند؟ خاموشی‌هایی که در آستانه تابستان بار دیگر بر کشور سایه انداخته‌اند، یادآوری دردن‌اکی‌اند از این واقعیت که برق، فقط منبعی برای روشنایی نیست؛ بلکه نوری است که بر آنچه در تاریکی می‌گذرد افکنده می‌شود.

در روزهایی که اخبار جنگ، هر لحظه چشم‌ها را به صفحه گوشی‌ها دوخته بود، اتفاقی عجیب و بی‌سروصدای در زیر پوست شهر رخ داد. تهران، این کلان‌شهر همیشه در معرض خاموشی‌های تابستانه، انگار نفس تازه‌ای کشیده بود. خبری از قطعی‌های زمان‌بندی‌شده نبود، خانه‌ها روشن ماندند، کولر‌ها کار می‌کردند و هیچ پیامک هشداری درباره «خاموشی احتمالی» به گوشی‌ها نرسید. همه‌چیز در حالی اتفاق افتاد که تنها چندروز پیش از آغاز جنگ، سامانه رسمی «برق من» خبر از خاموشی‌های برنامه‌ریزی شده می‌داد. اما در دوازده روزی که حمله‌ها جریان داشت، همه‌چیز برعکس شد. خاموشی‌ها لغو شدند، و شبکه برق نه‌تنها پایداری‌اش را حفظ کرد، بلکه نفس راحتی هم کشید، چرا؟

قطع اینترنت، نجات‌بخش برق شد؟

پاسخ این معما را محمد اله‌داد، معاون انتقال و تجارت خارجی شرکت توانیر، داد. او با صراحت گفت: در روزهای جنگ، به واسطه قطع سراسری اینترنت، مصرف برق در کشور به شکل چشمگیری کاهش یافت؛ چیزی حدود ۲۴۰۰ مگاوات! عددی که معادل ۱۵ درصد از کمبود برق کشور تخمین زده می‌شود.

اما اعداد دیگر این کاهش را اغلب به خاموش شدن ماینرهای استخراج رمراز نسبت می‌دهند. آمار غیررسمی می‌گوید بیش از ۹۰۰ هزار ماینر در سراسر کشور، به دلیل نیاز به اتصال اینترنت، به‌ناچار خاموش شدند که نتیجه آن خلاصی شبکه برق کشور از بار سنگین این ماینرهاست.

ماینرها مقصر ند؟

البته داستان به همین جا ختم نمی‌شود. قطع اینترنت ایران، حتی فراتر از مرزهای کشور بازتاب داشت. نرخ استخراج بیت‌کوین در سطح جهانی، به‌طور ناگهانی بیش از ۵ درصد کاهش یافت؛ اتفاقی که برخی تحلیلگران آن را نشانه‌ای از نقش پررنگ ایران در استخراج جهانی رمرازها دانستند. اما حتی اگر این سهم ۵ درصدی را از غراق پدایم که بسیاری معتقدند اغراق‌آمیز است، باز هم تناقضی در اعداد دیده می‌شود. زیرا حتی اگر به فرض محال سهم ایران از بازار رمراز را ۵ درصد بدانیم این عدد به پانصد مگاوات برق احتیاج دارد، این درحالی است که به گفته اله‌داد قطع اینترنت باعث کاهش ۲۴۰۰ مگاواتی شد؟ مگر ماینرها تنها عامل مصرف بالا هستند؟ کارشناسانی هستند که معتقدند کاهش مصرف صرفاً به ماینرها ربط ندارد. در دوران جنگ، برخی مناطق کشور تخلیه شدند، مهاجرت موقت افزایش یافت و بخشی از خانوارها درگیر مدیریت شرایط بحرانی شدند. در چنین موقعیتی، طبیعی است که مصرف خانگی کاهش یابد. اما نبود شفافیت در اطلاع‌رسانی درباره مصرف واقعی، تولید برق و حتی میزان هدررفت انرژی، باعث شده این ماجرا همچنان در ابهام بماند.

ماه‌ی گرفتن از برق یارانه‌ای

با این حال، آنچه مسلم است، وسعت فعالیت دستگاه‌های ماینر در کشور است. بر اساس گزارش‌های رسمی، فعالیت استخراج رمراز در ایران از سال ۱۳۹۸ آغاز شده و حالا، بعد از گذشت چند سال، تبدیل به پدیده‌ای